

اعجاز قرآن در عدم اختلاف و تناقض

جعفر علی نقی*

چکیده

یکی از راه‌های تشخیص نبی، ارائه معجزه توسط مدعی نبوت از جانب خدای متعال می‌باشد. به باور مسلمانان، قرآن کریم معجزه سترگ پیامبر گرامی اسلام ﷺ به شمار می‌رود که دامنه اعجاز آن گسترده بوده و شامل اعجاز از جهت عدم اختلاف نیز می‌باشد. برخی نوشته‌ها با ذکر مثال‌هایی، مدعی شده‌اند که آیات قرآن باهم ناسازگار بوده و قرآن کریم فاقد انسجام درونی می‌باشد و از این طریق خواسته‌اند اعجاز قرآن را از جهت عدم اختلاف به چالش بکشند. نوشتار حاضر با هدف تبیین روش درست فهم و برداشت صحیح از قرآن، با رویکرد توصیفی - تحلیلی به رفع انگاره فوق پرداخته است. در فرآیند پژوهش، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با استناد به مبانی کلامی و تفسیری عالمان و مفسران امامیه روشن ساخته است که قرآن کریم از انسجام درونی برخوردار بوده و اختلافی در آن نیست و آیاتی که ناسازگار تلقی شده‌اند تهافتی باهم نداشته و کاملاً هماهنگ‌اند.

واژه‌های کلیدی: قرآن، اعجاز قرآن، عدم اختلاف در قرآن، عدم تناقض ظاهری در قرآن.

* دانش‌پژوه سطح ۴ شیعه شناسی موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام.

مقدمه

قرآن کریم معتبرترین منبع شناخت دین اسلام به شمار می‌رود که خدای سبحان آن را به آخرین پیامبر خود - حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نازل کرده است. ادعای نبوت بایستی مقرون با دلیل باشد تا درستی آن ادعا را ثابت کند، قرآن کریم نیز معجزه و دلیل همراه پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شمار می‌رود که نبوت او را تصدیق و درستی ادعای وی را ثابت کرده است. شاخص‌ترین معجزه پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یعنی قرآن کریم از ابعاد مختلف اعجاز برخوردار است که یکی از ابعاد آن، اعجاز از جهت عدم اختلاف می‌باشد. اقتضای این بُعد از اعجاز قرآنی آن است که این کتاب مقدس از هرگونه تناقض درونی مصون بوده و همه گزاره‌های آن با یکدیگر کاملاً هماهنگ و سازگارند.

در برخی نوشته‌ها و سایت‌های ناهم‌سو با اندیشه اسلامی، با استناد به برخی آیات قرآن، سعی در متناقض نشان دادن آیات و تشکیک در انسجام درونی قرآن می‌شود. این گمانه که قرآن دارای تناقض‌گویی است اگر راست آید اعجاز آن از جهت عدم اختلاف زیر سؤال رفته و راه برای بشری نمایاندن قرآن و در نتیجه عدم حجیت آن هموار می‌گردد. از این رو بایسته است پژوهشی در رد انگاره فوق صورت پذیرد که نوشتار پیش رو در صدد انجام این رسالت مهم است.

صرف نظر از مطالبی که عالمان و مفسران در لابه‌لای کتب خود ذکر کرده‌اند، به طور مستقل پژوهشی در این موضوع سامان نیافته است. این تحقیق با پژوهش در تراث ارزشمند مفسران و اندیشه‌وران، با توضیح معانی و تفسیر برخی از آیات که ادعا می‌شود باهم ناسازگارند، به تبیین برداشت درست و فهم صحیح از قرآن پرداخته و به این سؤال پاسخ می‌گوید: نحوه برداشت صحیح از



قرآن چیست و آیاتی که برخی گمان به ناسازگاری آن‌ها برده‌اند چگونه قابل جمع و فهم است؟

۱- مفهوم شناسی

پژوهش در هر مسئله‌ای بر پایه‌ای از مفاهیم استوار است که واکاوی آن‌ها در تحقیق، ضروری و بایسته است. از این رو نخست به تعریف مفاهیم کلیدی بحث پرداخته می‌شود.

۱-۱- اعجاز

اعجاز از ریشه عجز گرفته شده و عجز در لغت به معنای ناتوان ساختن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۲۳۲) در اصطلاح معجزه امری خارق‌العاده است که همراه با تحدی و عدم معارضه باشد. (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۴، ص ۲۵؛ قوشجی، بی تا، ۴۶۵) به تعریف دقیق‌تر، معجزه امری خارق‌عادت است که به‌عنوان شاهد بر صدق ادعا، توسط کسی آورده می‌شود که ادعای منصب یا مقام الهی دارد. (خویی، ۱۴۰۱ ق، ص ۳۳) بر اساس این تعریف، معجزه وقتی است که همراه با ادعای مقامی الهی مثل نبوت یا امامت باشد. از این رو، امر خارق‌عادت که بدون ادعای منصب الهی از بعضی اولیای خدا صادر می‌شود معجزه نیست بلکه «کرامت» نام دارد. همچنین معجزه وقتی صادق و گواه است که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند و آن معجزه قابل معارضه نباشد. علاوه اینکه شرط دلالت معجزه، مطابقت فعل شخص مدعی با ادعای اوست. (سبحانی، ۱۴۲۸ ق، ج ۵، ص ۲۶۱)

۱-۲- عدم اختلاف

اختلاف از ریشه خلف است و خلف به معنای ضد و نقیض اقدام است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۹، ۸۲) اختلاف برعکس عمل کردن یا خلاف وعده، عمل کردن را نیز می‌گویند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۶۳۱) مقصود از نفی اختلاف در قرآن این است که قرآن کریم از تناقض‌گویی مصون و منز



بوده و از نوعی هماهنگی و سازگاری شگفت‌آوری برخوردار است که فقط از عهده خدای قادر متعال برمی آید و از دست کس دیگر ساخته نیست.

قرآن پژوهان مسلمان با استناد به آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء / ۸۲) آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود به قطع در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند. یکی از مهم‌ترین ابعاد اعجاز قرآنی را در این می‌دانند که علی‌رغم نزول قرآن در طول رسالت پیامبر اسلام ﷺ در شرایط ناهمسان و در موضوعات مختلف معارف و احکام و اخلاق و...، هیچ تناقض و اختلافی در آن یافت نمی‌شود و این خود گواه الهی بودن کتاب مقدس قرآن از جهت لفظ و معناست.

۲- ادعا (شبهه)

مسلمانان مدعی‌اند قرآن - کتاب مقدس آنان - از ناحیه خدا نازل شده و معجزه پیامبر اسلام به شمار می‌رود و آن را گواه و دلیل صدق ادعای نبوت پیامبر ﷺ است و علاوه بر پیامبر اسلام، ظاهر آیات کتاب قرآن نیز بر معجزه بودن آن تصریح و تأکید داشته و در جاهای مختلف آن به تحدی و هم‌آورد طلبی پرداخته است همانند آیه «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (سوره اسراء / آیه ۸۸) بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هرچند برخی از آنان پشتیبان برخی [دیگر] باشند یا آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (سوره بقره / آیه ۲۳) و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر خدا فراخوانید.

با این حال اگر قرآن معجزه است و از ناحیه خداوند نازل شده و الفاظ و واژه‌ها نیز از جانب او است و به گفته قرآن‌پژوهان، ابعاد اعجاز آن شامل عدم

اختلاف نیز می‌شود. (معرفت، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۱۱۶) چرا آیات متعددی در آن وجود دارد که با آیات دیگر ناسازگار بلکه متعارض‌اند؟ در برخی از آیات قرآن برای خداوند صفاتی به کاررفته است که در آیات دیگر به نوعی آن‌ها از او نفی شده‌اند؟ مثلاً قرآن در آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (سوره ق / آیه ۱۶) و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم، تصریح دارد که خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است ولی بر طبق آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سوره حدید / آیه ۴) خداوند بر روی تختی نشسته است که آن تخت طبق آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيُقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (سوره هود / آیه ۷) بر روی آب بناشده است و طبق آیات «يَدَّبَّرُوا الْأُمُورَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» (سوره سجده / آیه ۵) و «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (سوره معارج / آیه ۴) خداوند به قدری دور است که رسیدن به او هزارتا پنجاه‌هزار سال طول می‌کشد؟

۳- نقد و بررسی

در برخی نوشته‌ها و سایت‌ها مانند سایت زندیق (<https://zandiq.com>)^۱ شبهاتی در فضای مجازی مشاهده می‌شود که ریشه در ضعف روش صحیح فهم قرآن یا غفلت از شیوه درست برداشت از آن دارد. از این رو اگر کسی به روش

۱. این سایت به اعتراف اداره کنندگان آن، با هدف هجمه به بنیان‌های فکری مسلمانان تأسیس شده و تأمین محتوا می‌شود.

فهم آیات قرآن واقف باشد و به جای یک‌سویه نگری، نگاه جامعی به آن داشته باشد و در فهم معانی آیات آن، خود را بی‌نیاز از مطالب عالمان و مفسران نداند دچار چنین خطاهای راهبردی در فرآیند فهم نمی‌شود. از این‌رو، در پاسخ به این تلقی نادرست باید گفت: برداشت ظاهری از آیات قرآن باعث رخ نمودن چنین انگاره‌هایی می‌شود که آیات مزبور باهم ناسازگارند. درحالی‌که ذهن آدمی به خاطر ارتباط با عالم طبیعت، با مادیات مأنوس شده، به همین جهت از هر معنایی مفهوم مادی و ظاهری آن را می‌فهمد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۱۲۳) غافل از اینکه قرآن کریم از زبان عرفی استفاده کرده و همانند عرف از حقیقت، مجاز، تشبیه و سایر صنایع ادبی نیز بهره برده است. چنانکه می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (سوره ابراهیم / آیه ۴) از این‌رو بایسته است جهت شناخت مقصود آیات، از روش درست تفسیر آن بهره جست.

علاوه بر آنچه گفته شد یکی از چیزهایی که در تفسیر و فهم آیات قرآن لازم است در نظر داشت، مبانی کلامی و تأثیری است که آموزه‌های اعتقادی هر مکتب در فرآیند فهم قرآن کریم دارد. متکلمان عدلیه به‌ویژه عالمان امامیه با باور داشت حسن و قبح عقلی و نفی صفات مادی و ممکن از ساحت الهی، صفات خبریه‌ای که در آیات قرآن یا احادیث معصومان نقل شده است را تفسیر به معنایی می‌کنند که با اصول مسلم عقلی منافات نداشته باشد زیرا مقتضای عقل این است که توصیف خداوند به صفات خبری که مستلزم تشبیه خداوند به مخلوقات گردد روا نیست. (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۸۷) برخلاف فرقه مجسمه و مشبهه که گمان کرده‌اند خداوند همانند انسان دارای چشم، دست، گوش و زبان است که شهرستانی در مورد آنان می‌گوید: فرقه مشبهه از حشویه، لمس و مصالحه کردن را بر خداوند روا شمرده‌اند و معتقدند مسلمانانی که در ریاضت و مجاهدت به مرتبه اخلاص رسیده‌اند هم در دنیا و هم در آخرت باخدای سبحان معانقه

اعجاز قرآن در عدم اختلاف و تناقض

می‌کنند. (شهرستانی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۱۰۵) ابوالحسن اشعری و پیروان او، صفات خبری را به همان معنای متبادر عرفی بر خداوند جاری می‌کنند اما برای فرار از محذور تشبیه، آن را از تشبیه و کیفیت جسمانی تجرید می‌کنند. (سبحانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۳۲)

عالمان امامیه با اعتقاد به مصونیت ساحت الهی از صفات و ویژگی‌های مادیات و ممکنات، صفات خبری منقول در آیات و روایات را تفسیر به اموری می‌کنند که با شأن الوهی و فرا مادی بودن خداوند تهافتی ندارند و حمل به معنایی می‌کنند که تنها مختص به خدا هستند و سایر موجودات را راهی به آن صفات نیست.

بنابراین از سویی در قرآن کریم صفاتی برای خداوند به کار رفته است که اطلاق حقیقی آن‌ها بر خداوند محال است زیرا معنای حقیقی این صفات، مستلزم جسمانیت و در نتیجه نقص و کاستی در خداوند است. از همین رو از نگاه دانشمندان، این گونه صفات را باید به نوعی تأویل برد. (شریف، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۹۵؛ معتزلی، ۱۹۶۲ م، ص ۱۵۰ و ۳۳۳؛ شهرستانی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۵۵؛ سبحانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۲)

از دیگر سو، آیاتی مانند: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (سوره اسراء / آیه ۳۶)، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء / ۸۲)، «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (نساء / ۴۶)، «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر / ۹۱) و سایر آیات همگون، نشانگر آن است که سخن خداوند را به طریقی که سخن آفریدگان تفسیر شود، نباید تفسیر کرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۷۹)

بر این اساس، آیه «أَنَّ اللَّهَ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق / ۱۶) و آیات مشابه مانند: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَخُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (انفال / ۲۴) تشبیه هستند. از این رو، قُرب فیزیکی در اینجا مقصود نیست و قرب خداوند از این هم برتر و بالاتر



است. هرچند مثالی از این رساتر در محسوسات پیدا نمی‌شود. (مکارم، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۲، ص ۲۴۵) امام علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: خداوند با همه چیز هست نه اینکه هم‌نشین آنان باشد و با همه چیز فرق دارد نه اینکه از آنان جدا و بیگانه باشد. (سید رضی، ۱۳۷۹ ش، خطبه اول) با این گفته معلوم می‌شود خداوند مالک و تدبیر کننده امور بندگان است و به همه جوانب و نواحی بنده احاطه دارد از این رو از هر چیزی که فرض شود به مخلوق خود نزدیک‌تر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۴۳) به اقتضای ادله توحید ربوبی، گستره ربوبیت خداوند وسیع بوده و انسان تحت تدبیر و مالکیت الهی است به همین خاطر خداوند از هر چیز به انسان نزدیک‌تر و به احتیاجات او آگاه‌تر است.

۱۲۶

آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» مثالی است که احاطه تدبیر خدا در ملک الهی را مجسم می‌سازد. هرچند عرش در اصل به معنای شیء سقف دار است و به تخت‌های بلند سلاطین گذشته نیز عرش گفته می‌شود اما این واژه به معنای قدرت نیز به کار رفته و کنایه از به قدرت رسیدن می‌باشد. (مکارم، ۱۳۷۴ ش، ج ۹، ص ۲۶)

در آیه «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» معنای معمولی «ماء» آب است اما گاهی به هر شیء مایع «ماء» گفته می‌شود مانند فلزات مایع و امثال آن. در تفسیر آیه مزبور آمده است جهان در آغاز آفرینش به صورت مواد مذاب بود از این رو جهان هستی و پایه تخت قدرت خدا نخست بر این ماده عظیم آب‌گونه قرار داشت. (مکارم، ۱۳۷۴ ش، ج ۹، ص ۲۶) آیه مذکور موجود بودن خداوند قبل از خلقت این عالم را بیان می‌نماید. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۸، ص ۱۹۸)

در آیه «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ الْفَسْفَسَةِ مِمَّا تَعْدُونَ» (سجده، آیه ۵) مقصود این است که خدای تعالی تدبیر امور را در ظرفی انجام می‌دهد که اگر به مقدار حرکت و حوادث زمینی تطبیق شود با هزار

اعجاز قرآن در عدم اختلاف و تناقض

سال از سال‌هایی که شما ساکنان زمین می‌شمارید برابر می‌گردد. (همان، ج ۱۶، ص ۳۷۰) مقصود از روز عروج امر در «ثُمَّ يَعْزُجُ إِلَيْهِ» یکی از پنجاه موقف از مواقف روز قیامت است. (همان، ج ۱۶، ص ۳۷۲) که همه محکوم اراده پروردگار جهان خواهد بود و در یک روز که مدتش هزار سال است اعمال بندگان بررسی می‌شود. (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۹، ص ۲۰۸) امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: همانا در قیامت پنجاه موقف وجود دارد که هر موقفی هزار سال به طول می‌انجامد. (شعیری، بی‌تا، ص ۱۷۶) در آیه دیگر فرموده: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (معارج، آیه ۴) روزی که مدتش پنجاه هزار سال است. این مدت برای کافران منظور گردیده زیرا مردم در قیامت در شرایط مختلف خواهند بود. (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۹، ص ۲۰۸)

نتیجه‌گیری

صفاتی که در آیات قرآن در توصیف خدای متعال به کار رفته‌اند به گونه‌ای تبیین و تفسیر می‌شوند که تفسیر به امور متوهم تشبیه و تجسیم نباشند در غیر این صورت با اصول مسلم عقلی منافات خواهند داشت که با مبانی کلامی امامیه مطابقت ندارد.

منبع جهت مطالعه بیشتر

۱. روح‌البیان، ج ۷.
۲. روض‌الجنان و روح‌الجنان، ج ۱۹.
۳. کشف‌الاسرار و عدّه‌الابرار، ج ۹.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، مقایس اللغة، تصحیح هارون عبدالسلام محمد، قم: مكتبة الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۳. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۰۱ ق، البیان فی تفسیر القرآن، قم: انوار الهدی.
۴. راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۷۴ ش، ترجمه و تصحیح مفردات الفاظ القرآن، چاپ دوم، تهران: مرتضوی.
۵. سبحانی جعفر، ۱۴۱۲ ق، الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، چاپ سوم، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.
۶. سبحانی، جعفر، بی تا، بحوث فی الملل و النحل، قم: موسسه امام صادق.
۷. الشریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹ ش، نهج البلاغه، قم: نشر مشهور.
۸. شریف، سید مرتضی، ۱۴۰۵ ق، رسائل الشریف، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: دارالقرآن.
۹. شعیری، محمد بن محمد، بی تا، جامع الاخبار، نجف: نشر حیدریه.
۱۰. شهرستانی، عبدالکریم، ۱۳۶۴ ش، الملل و النحل، تحقیق محمد بدران، چاپ سوم، قم: الشریف الرضی.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی.
۱۳. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرين، تصحیح احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
۱۴. قوشجی، مولی علی، بی تا، قم: منشورات شریف رضی.
۱۵. معتزلی، قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲ م، المغنی فی ابواب التوحید و المعاد، قاهره: دارالمصریه.
۱۶. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۷ ق، التمهید فی علوم القرآن، قم: انتشارات اسلامی.
۱۷. مکارم، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة.



